

متن پرسش

خاستگاه مشاوره و شورا و مشورت عالم امر است که می‌فرماید: و شاورهم فی الامر یا امرهم شوری بینهم، جایی که فقط اشاره می‌کنیم و هیچ تشریحی (باید و نبایدی) آنجا نیست! در عالم تکوین فقط به هم اشاره می‌کنیم که آن هم هست و یا آن چقدر هست! مثلاً الله اکبر یعنی بیا اینهمه بزرگی الله را با هم به نظاره بنشینیم و لذت ببریم. کار عقل جزئی باید و نباید است که مثلاً برای اینکه نمیرم باید دنبال غذا بروم! آیا موطن دین فقط در عالم عقل جزئی یا همان عالم خلق است یا موطن اصلی دین عالم اشارات و امر و عقل کلی است که حسن را می‌بیند و عاشقش می‌شود؟ دل باید و نبایدی را که به موطن امری وصل نبیند گردن نمی‌نهد یا به اکراه قبول می‌کند. ابتدا باید او را به آبشخور حقیقت امری دین رهنمون شویم تا سیراب شود و با ما راه بیاید. عاقل به عقل کلی عاشق است که می‌گویند: العاقل یکفی بالاشاره. شاید بتوان معادل کلماتی نظیر مشورت و شوری و مشاوره را واژه‌هایی مثل «افق یابی» و «افق‌نمایی» دانست.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: هرچه هست ما در میانه تکوین و تشریح ایستاده‌ایم تا آنجایی که امور تشریحی را تا اوج حقیقت تکوینی‌اش جلو ببریم و حاضر کنیم. این‌جا است که «تو مو می‌بینی و من پیچش مو» و جهان اشارات و جهان حضوری بی‌نام و نشان. «آن‌قدر هست که بانک جرسی می‌آید» خدا کند انسان‌ها در این زمانه به بانک جرسی که از زبان رهبر معظم انقلاب به ظهور آمده؛ گوش فرا دهند. موفق باشید